

بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت سود با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران

مهدی خرم آبادی^۱، سهیلا لشگر آرا^۲، سیده عاطفه طاهرزاده^۳، زهرا فضل الهی

دهکردی^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۲۶

چکیده

یکی از شاخص‌هایی که کیفیت سود را بهبود می‌بخشد، دوره تصدی حسابرسی است، بنابراین هدف این پژوهش بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت سود و همچنین بررسی نقش تعدیلی عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به همین منظور دو فرضیه تدوین و داده‌های مربوط به ۱۲۸ شرکت عضو سازمان بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ مورد استفاده قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌ها از روش داده‌های تابلویی و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارتی، با افزایش دوره تصدی حسابرسی، کیفیت سود نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت سود تأثیر مثبت و معناداری دارد و با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، تأثیر مثبت دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت سود تقویت می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دوره تصدی حسابرسی، کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42, M41, D82

DOI: 10.22051/ijar.2018.20558.1404

^۱ مربی گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول، (m.kh.acc@pnu.ac.ir)

^۲ مربی گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (s.lashgarara@pnu.ac.ir)

^۳ دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز، ایران، (A_taherzadeh171@yahoo.com)

^۴ دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه لرستان، ایران، (z.fazlolahi@gmail.com)

مقدمه

نظریه کیفیت سود برای اولین بار توسط تحلیلگران مالی و کارگزاران بورس مطرح شد، زیرا آنها احساس می‌کردند سود گزارش شده میزان قدرت سود یک شرکت را آن‌چنان که در ذهن مجسم می‌کنند، نشان نمی‌دهد. آنها دریافتند که پیش‌بینی سودهای آتی بر مبنای نتایج گزارش شده، کار دشواری است. علاوه بر آن، تحلیلگران دریافتند که تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی شرکت‌ها به دلیل نقاط ضعف متعدد در اندازه‌گیری اطلاعات حسابداری کار مشکلی است (اسماعیلی، ۱۳۸۵). کیفیت سود و بصورت عام کیفیت گزارشگری مالی مورد علاقه کسانی است که از گزارشات مالی برای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و انعقاد قراردادهای مختلف استفاده می‌کنند. از دیدگاه تدوین‌کنندگان استاندارد، کیفیت گزارشات مالی به صورت غیرمستقیم نشان دهنده کیفیت استانداردهای گزارشگری مالی است. سود گزارش شده و روابط بدست آمده از آن معمولاً در قراردادهای حقوق و پاداش و قراردادهای استقراض استفاده می‌شوند. به طور مشابه، تصمیم‌گیری برای قراردادی که براساس کیفیت سود پایین باشد باعث انتقال ناخواسته ثروت خواهد شد. از دیدگاه سرمایه‌گذاری کیفیت سود پایین، مطلوب نیست، زیرا نشانگر وجود ریسک در تخصیص منابع به آن بخش است. کیفیت سود پایین باعث کاهش رشد اقتصادی از طریق تخصیص نادرست سرمایه‌ها خواهد شد، همچنین باعث انحراف منابع از طرح‌های با بازدهی واقعی به طرح‌های با بازدهی غیرواقعی شده که کاهش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت (شیپر و وینسنت، ۲۰۰۳). وجود اطلاعات محرمانه مدیران و عدم دقت در اطلاعات گزارش شده باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک اطلاعات خواهد شد. بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران تحت تأثیر ریسک اطلاعات قرار دارد. ریسک اطلاعات، بستگی به میزان اطلاعات محرمانه و عدم دقت اطلاعات عمومی گزارش شده دارد. هرچه میزان اطلاعات محرمانه بیشتر و دقت اطلاعات ارائه شده کمتر باشد بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران بالاتر خواهد بود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). در این میان، بهبود کیفیت افشا منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بین استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌شود. این مطلب از چندین دیدگاه قابل توضیح است؛ اول این که افشای با کیفیت به طور موثری سبب عمومی شدن برخی اطلاعات محرمانه شده و عدم توازن اطلاعاتی میان مبادله‌کنندگان در بازار را تا حدودی کاهش می‌دهد. دوم این که افشای اطلاعات عمومی سبب شکل‌گیری این باور می‌شود که مبادله‌کنندگان از نظر اطلاعاتی همگونی بیشتری داشته و تمایل به احتکار اطلاعات توسط

مبادله کنندگان مطلع را کاهش می‌دهد (شهاتا، ۲۰۱۴). علاوه بر این، ارتقای کیفیت اطلاعات با کاهش منافع مورد انتظار حاصل از اطلاعات محرمانه، انگیزه سرمایه‌گذاران برای کسب اینگونه اطلاعات را کاهش می‌دهد (شهاتا ۲۰۱۴)، ورچیا (۲۰۰۱). استقلال موضوعی مهم در قابلیت اتکای گزارش حسابرسان بوده و اساس حرفه حسابرسی است (چی‌وهمکاران، ۲۰۰۵). استانداردها و گزارش حسابرسان، تضعیف استقلال حسابرسان را در کاهش کیفیت و اعتبار گزارشگری مالی تأثیرگذار یافتند. آنها طولانی شدن مدت ارتباط میان حسابرِس و صاحبکار را عاملی در جهت تزلزل استقلال حسابرِس بر شمردند. نگرانی‌ها از این جهت بود که اگر مدت ارتباط حسابرِس و صاحبکار طولانی شود، حسابرِس به احتمال زیاد با صاحبکار در مورد انتخاب رویه‌های گزارشگری مالی با هدف حضور مجدد در شرکت توافق می‌کنند. بر این اساس، دوره تصدی بلندمدت، استقلال حسابرِس را خدشه‌دار کرده و منجر به کاهش کیفیت حسابرسی خواهد شد. بنابراین در خواست‌هایی مبنی بر اعمال محدودیت بر دوره تصدی حسابرِس مطرح شد. دوره تصدی حسابرِس، از موضوعاتی است که قانون‌گذاران توجه ویژه‌ای به آن نشان داده‌اند، بنابراین همواره قانون‌گذاران و فعالان بازار سرمایه، علاقه‌مند به دانستن این موضوع هستند که آیا رابطه بلندمدت بین شرکت‌ها و حسابرسان آن‌ها می‌تواند باعث خدشه‌دار شدن استقلال حسابرِس و کاهش کیفیت سود شود؟ در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت سود با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی است. اهمیت این پژوهش به دلیل لزوم شناسایی و توجه به عوامل اثرگذار بر اهداف تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه است. در ادامه پژوهش، پس از مرور مبانی نظری و پیشینه تحقیق، روش تحقیق و یافته‌های تجربی طرح شده و در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه شده‌اند.

مبانی نظری

کیفیت سود موضوعی است که در سال‌های اخیر به کانون توجه در ارزیابی عملکرد مالی و تداوم فعالیت شرکت‌ها تبدیل شده است. نقش اصلی اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه منابع است. در پی رسوایی‌های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارشگری مالی تضعیف شده و کیفیت سود به عنوان یک عامل مهم در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده، پدیدار گشت. سود حسابداری مبتنی بر ارقام تعهدی از نظر بسیاری از کاربران اطلاعات صورت‌های مالی، ابزاری

برای سنجش عملکرد شرکت‌ها محسوب می‌شود. منظور از ارزیابی عملکرد شرکت‌ها ارزیابی کلی وضعیت مالی و نتایج عملیات برای تصمیم‌گیری‌های منطقی است. در تعیین ارزش شرکت، نه تنها به کمیت، بلکه به کیفیت سود نیز توجه می‌شود. منظور از کیفیت سود، زمینه بالقوه رشد سود و میزان احتمال تحقق سودهای آتی است. به عبارتی، ارزش هر سهم تنها به سود هر سهم سال جاری بستگی نداشته و به انتظارات ما از آینده شرکت و قدرت سودآوری سال‌های آتی و ضریب اطمینان نسبت به سودهای آتی بستگی دارد. مفهوم کیفیت سود در این دیدگاه از طریق ارتباط بین اقلام تعهدی (اقلام غیر نقدی) و اجزای نقدی سود بیان می‌شود. بر اساس این دیدگاه، اقلام تعهدی موجب کاهش کیفیت سود می‌شوند. برخی از محققان، کیفیت سود را بر اساس نزدیک بودن به وجه نقد تعریف نموده‌اند. در ساده‌ترین حالت، این رابطه به صورت نسبت وجه نقد حاصل از عملیات به سود بیان می‌شود (پنمن، ۲۰۰۲). وجه نقد نسبت به سود عملیاتی کمتر قابل دستکاری است و می‌توان از آن به عنوان شاخصی برای سنجش کیفیت سود، استفاده نمود. سایر محققان از اقلام تعهدی (تغییر در کل اقلام تعهدی، اجزای اختیاری اقلام تعهدی و روابط بین اقلام تعهدی و وجه نقد) جهت تعریف کیفیت سود استفاده کرده‌اند. از جهت دیگر عدم تقارن اطلاعاتی دلالت بر این موضوع دارد که فعالان بازار دسترسی یکسانی به اطلاعات ندارند. مثلاً افراد درون سازمانی دارای اطلاعات مفصل‌تری راجع به تصمیمات استراتژیک شرکت هستند و آن را در اختیار سرمایه‌گذاران خارجی قرار نمی‌دهند (کداپاکم و همکاران، ۱۹۹۸). عدم تقارن اطلاعاتی موجب ایجاد ریسک و مخاطره اطلاعاتی برای تأمین‌کنندگان منابع مالی می‌گردد. تأمین‌کنندگان منابع مالی در قبال ریسک اطلاعاتی که تحمل می‌کنند، صرفی را برای تأمین مالی در نظر می‌گیرند. برای مثال در صورتی که اقدام به قرض‌دهی به شرکت نمایند، نرخ بهره بیشتری طلب خواهند نمود و یا در صورتی که خواهان خرید سهام منتشره شرکت باشند، ارزیابی پایینی از سهام به عمل آورده و با قیمت پایین‌تری سهام شرکت را خریداری خواهند نمود. این موضوع را ارزشیابی زیر قیمت می‌نامند. در نهایت عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند شرکت‌ها را به سمت سرمایه‌گذاری حداقل سود دهد (پاولینا و رنه بگ، ۲۰۰۵)، دگریس و جانگ (۲۰۰۶). وجود اطلاعات محرمانه مدیران و عدم دقت در اطلاعات گزارش شده باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک اطلاعات خواهد شد. بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران تحت تأثیر ریسک اطلاعات قرار دارد. ریسک اطلاعات بستگی به میزان اطلاعات محرمانه و عدم دقت اطلاعات عمومی گزارش شده دارد. هرچه میزان اطلاعات محرمانه بیشتر و دقت اطلاعات

ارائه شده کمتر باشد، بازده مورد انتظار سرمایه گذاران بالاتر خواهد بود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). یکی از مشکلات نمایندگی مربوط به ناتوانی سهامداران در ملاحظه اقدامات مدیر است. بنابراین، همواره این دغدغه وجود دارد که آیا تصمیم گیری های مدیر، منطبق با منافع سهامدار است یا خیر؟ یا به عبارتی، سهامدار ممکن است فاقد اطلاعات لازم در خصوص اقدامات مدیر باشد. این حالت را در اصطلاح تئوری نمایندگی، «عدم تقارن اطلاعاتی» می نامند. در این وضعیت اگر از جانب سهامدار اقدامی جهت کنترل تصمیمات مدیر صورت نگیرد، فقط خود مدیر می داند که آیا در راستای منافع سهامدار گام برداشته است یا خیر؟ از سوی دیگر، مدیر نسبت به اقداماتی که در سازمان باید صورت گیرد، بیشتر از سهامدار اطلاعات اضافی دارد. این اطلاعات اضافی مدیر، در تئوری نمایندگی «اطلاعات خصوصی» نامیده می شود و وجود اطلاعات خصوصی به عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامدار و مدیر می افزاید (باشکوکا، ۲۰۱۵). یکی از راه های کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، انجام حسابرسی سالانه است که این حسابرسی با کیفیت های مختلفی قابل انجام است (بهبهانی نیا و همکاران، ۱۳۹۵). دوره تصدی حسابرس یکی از معیارهای اندازه گیری کیفیت حسابرسی است که به تعداد سال های متوالی که موسسات حسابرسی یک صاحبکار را مورد رسیدگی و حسابرسی قرار می دهد، اطلاق می شود. انجام عملیات حسابرسی صاحبکار توسط یک مؤسسه حسابرسی طی سنوات متمادی، به دلیل آشنایی تیم حسابرسی با عملیات حسابرسی صاحبکار، می تواند موثرتر صورت گیرد. چنانچه مؤسسه حسابرسی تجربه انجام حسابرسی مؤسسه صاحبکار را برای چندین سال داشته باشد. همچنین، اعضای تیم حسابرسی شناخت بیشتری نسبت به کار صاحبکار خواهند داشت که این امر موجب تسریع در انجام عملیات حسابرسی، کاهش هزینه های حسابرسی و افزایش کیفیت حسابرسی نیز می گردد. نتایج پژوهشات خارج از کشور نشان می دهد که بالا بودن دوره تصدی حسابرس، موجب افزایش شناخت و تخصص حسابرس در صنعت صاحبکار مربوطه شده و همچنین موجب بالا رفتن سطح کیفیت حسابرسی خواهد شد (کارسلو و ناچی، ۲۰۰۴). یکی از شاخص هایی که کیفیت سود را بهبود می بخشد، تصدی مؤسسه حسابرسی است. در مورد دوره تصدی (طول مدت تجربه) مؤسسه حسابرسی، دو نظریه حائز اهمیت است. نظریه اول این است که دوره تصدی مؤسسه حسابرسی می تواند باعث شناخت بهتر حسابرسان نسبت به فرآیندهای کاری صاحبکار شده و به تبع این شناخت کیفیت حسابرسی بهبود می یابد. نظریه دوم این است که طولانی شدن دوره تصدی مؤسسه حسابرسی می تواند باعث این شود که به مرور زمان از

استقلال حسابرسان کاسته شده که این روند می‌تواند موجب از دست دادن انگیزه و کم‌رنج شدن اهداف حسابرسی شود. داشتن روابط نزدیک با مدیریت باعث به وجود آمدن این موضوع می‌گردد (گول و همکاران، ۲۰۰۹). عمدتاً بحث حاضر می‌تواند به عدم تقارن اطلاعاتی نیز مربوط گردد. حسابرس برای اینکه بتواند سطح اطلاعات نامتقارن را میان کاربران صورت‌های مالی و مدیریت کاهش دهد، نیاز به تصدی حسابرسی طولانی‌تر دارد تا بتواند امکان دسترسی به اطلاعات بیشتر را در مورد شرکت فراهم آورد که به دنبال آن بتواند گزارشات غلط را تشخیص دهد (زنکین و اوزکان، ۲۰۱۰). مایرز و همکاران (۲۰۰۳)، گزارش دادند چنانچه طول زمان ارتباط حسابرس با صاحبکار افزایش یابد، کیفیت سودهای گزارش شده افزایش می‌یابد. جانسون و همکاران (۲۰۰۲) دریافتند که وقتی دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد کیفیت سود گزارش شده (که با توجه به ارقام تعهدی پایداری آن اندازه گیری شده است) نیز بالاتر است.

پیشینه پژوهش

اخیراً مطالعات فراوانی در مورد ارتباط بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت سود انجام شده است. یافته‌های این مطالعات عمدتاً نشان می‌دهد که طولانی‌تر شدن دوره تصدی حسابرس منجر به کیفیت سود بالاتری خواهد شد. هر چند به واسطه بروز عدم تقارن اطلاعاتی ممکن است این ارتباط تعدیل گردد. در ادامه به برخی از پژوهش‌های خارجی و داخلی انجام شده در این حوزه اشاره می‌گردد.

لئونگ و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان "دوره تصدی حسابرس، عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت سود" به این نتیجه رسیدند که دوره تصدی حسابرس باعث بهبود کیفیت سود می‌شود. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که بهبود در کیفیت سود ناشی از دوره تصدی طولانی حسابرس در شرکت‌های دارای عدم تقارن اطلاعاتی، بزرگ‌تر است.

کلینج و همکاران (۲۰۱۲)، به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی با بکارگیری سه شاخص برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سهام و بازار اختیار معامله طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که کیفیت بیشتر حسابرسی منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

کورمیر و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان "اثرات تعدیلی افشای داوطلبانه بر روی رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی" این موضوع را بررسی کردند که افشای داوطلبانه مبتنی بر اینترنت با در نظر گرفتن مشخصه‌های حاکمیت شرکتی، چگونه رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج آنها نشان داد که هم کیفیت سود و هم افشای داوطلبانه با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی مرتبط است. علاوه بر این، آنها به این نتیجه رسیدند که صرف نظر از کیفیت سود، افشای داوطلبانه (مبتنی بر اینترنت) اثر تعدیلی بر رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی دارد. در نهایت آنها نشان دادند که حاکمیت شرکتی، کیفیت سود و افشای اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مایرز و همکاران (۲۰۰۳)، در پژوهشی نشان دادند که بالا بودن دوره تصدی‌گری حسابرِس موجب شناخت و تخصص حسابرِس در صنعت صاحبکار مربوطه می‌شود و هر چه دوره تصدی حسابرِس بیشتر باشد، کیفیت و پایداری سود هم بیشتر می‌شود.

جانسون و همکاران (۲۰۰۲)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که اگر دوره تصدی حسابرِس کوتاه مدت باشد، نسبت به حالتی که میان مدت یا بلند مدت است، ارقام تعهدی بیشتر شده و اعمال فشار بر شرکتها کاهش می‌یابد در نتیجه کیفیت سود نیز پایین است. به عبارتی، اگر دوره تصدی کوتاه مدت باشد (۲ تا ۳ سال) نسبت به زمانی که دوره تصدی متوسط است (۴ تا ۸ سال)، ارقام تعهدی غیرمترقبه بیشتر است. علاوه بر این، آنها هیچ مدرکی را دال بر این نیافتند که ارتباط بلندمدت حسابرِس و صاحبکار (۹ سال یا بیشتر) نسبت به ارتباط متوسط حسابرِس و صاحبکار با ارقام تعهدی غیرمترقبه کم، مرتبط باشد.

بهبهانی نیا و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به بررسی اثر کیفیت حسابرِس در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که کیفیت حسابرِس بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران تأثیر ندارد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر کیفیت حسابرِس بر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری" از طریق بررسی ۹۹ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ به این نتیجه رسیدند که با افزایش کیفیت خدمات حسابرِس، تعارضات نشأت گرفته از تفکیک مالکیت از مدیریت، شامل هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی،

کاهش می‌یابند. همچنین، آنها دریافتند که افزایش هزینه‌های نمایندگی، افزایش سطح عدم تقارن اطلاعاتی را به همراه دارد.

ثقفی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان "رابطه کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی" به این نتیجه رسیدند که عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های با کیفیت سود پایین و شرکت‌های با کیفیت سود بالا، دارای تفاوت معنی‌دار نیستند. علاوه بر این، سطح عدم تقارن اطلاعاتی در دوره پس از اعلام سود نسبت به دوره قبل از آن، افزایش یافته است. وکیلی فرد و مرانجوری (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و محافظه کاری حسابداری در ایران" از طریق بررسی ۴۹ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ به این نتیجه رسیدند که بین دوره تصدی حسابرس و محافظه کاری حسابداری در کلیه شرکت‌های مورد مطالعه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

خدای پور و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند در صورت استفاده از معیار اندازه مؤسسه حسابرسی به عنوان معیار کیفیت حسابرسی، هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی اثر منفی می‌گذارد و در صورت استفاده از نوع گزارش حسابرسی به عنوان معیار کیفیت حسابرسی، بین هزینه‌های نمایندگی و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد و عدم تقارن اطلاعاتی، اثر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی خواهد داشت.

خلیل زاده و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرس بر ویژگی‌های کیفی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" از طریق بررسی ۷۲ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ به این نتیجه رسیدند که دوره تصدی حسابرس بر ویژگی‌های کیفی سود، تأثیر ندارد. در نهایت آنها این چنین استدلال کردند که راهکار چرخش الزامی حسابرس به منظور بهبود کیفیت سود موثر نیست.

رحیمیان و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" به این نتیجه رسیدند که بین میزان کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط معناداری وجود دارد و کاهش کیفیت سود منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد.

کرمی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه میان طول دوره تصدی حسابرِس و میزان مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وجود رابطه طولانی مدت میان صاحبکار و حسابرِس، باعث افزایش انعطاف پذیری مدیریت در استفاده از ارقام تعهدی اختیاری می‌گردد، اما این استفاده بیشتر در جهت کاهش سود (محافظه کارانه) است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به پیشینه و مبانی نظری مطرح شده فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود. فرضیه اول: دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت سود تأثیر معناداری دارد. فرضیه دوم: عدم تقارن اطلاعاتی، تأثیر دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت سود را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

شرط لازم برای انجام هر پژوهشی در دسترس بودن اطلاعات است. در وضعیت کنونی ایران، اطلاعات مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در دسترس است. همچنین با توجه به معیارها و ضوابطی که سازمان بورس اوراق بهادار برای پذیرش، ادامه فعالیت و نحوه گزارشگری شرکت‌ها تعیین کرده است، اطلاعات مربوط به شرکت‌های عضو بورس از کیفیت بالاتری برخوردار بوده، منسجم‌تر و همگن‌تر است. این پژوهش از نوع توصیفی و از حیث هدف پژوهشی کاربردی است و از آنجا که در این پژوهش، به بررسی وضعیت موجود متغیرها با استفاده از جمع‌آوری اطلاعات از طریق اطلاعات گذشته اقدام شده است، در ردیف مطالعات توصیفی و پس‌رویدادی قرار می‌گیرد. هدف این پژوهش ارائه روش مناسب برای بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت سود با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

در این پژوهش، صورت‌های مالی و یادداشت‌های پیوست مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت با توجه به نمونه‌گیری، ۱۲۸ شرکت که دارای شرایط زیر بودند برای انجام آزمون انتخاب شدند.

- سال مالی شرکت منتهی به تاریخ پایان اسفند ماه هر سال باشد و شرکت طی دوره موردبررسی تغییر سال مالی نداده باشد.
- جزء شرکت‌های مالی (مانند بانک‌ها و مؤسسات مالی) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد.
- اطلاعات و داده‌های آنها در دسترس باشد.
- معاملات سهام شرکت به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد.

مدل و متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

کیفیت سود (EQ): این متغیر شاخص کیفیت اطلاعات حسابداری است. این شاخص از مدل فرانسویس و همکاران (۲۰۰۵: ص ۱۰۱۰) به شرح مدل ۱ به دست می‌آید (بهبانی نیا و همکاران، ۱۳۹۵).

$$TCA_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{i,t-1} + \alpha_2 CFO_{i,t} + \alpha_3 CFO_{i,t+1} + \alpha_4 \Delta REV_{i,t} + \alpha_5 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

TCA: مجموع اقلام تعهدی شرکت‌ها است و بر اساس مدل ۲ محاسبه می‌شود.

$$TCA = (\Delta CA - \Delta Cash) - (\Delta CL - \Delta STDEBT) - DEP \quad (2)$$

که در آن CFO جریان وجه نقد عملیاتی که از طریق سود خالص قبل اقلام غیر مترقبه منهای مجموع اقلام تعهدی (TA) بدست می‌آید. ΔREV تغییر در درآمد فروش، PPE اموال، ماشین آلات و تجهیزات، ΔCA تغییر در دارایی‌های جاری، ΔCL تغییر در بدهی‌های جاری، $\Delta Cash$ تغییر در وجه نقد، $\Delta STDEBT$ تغییر در ذخیره مالیات، بهره پرداختنی و سهام پرداختنی و در نهایت DEP هزینه استهلاک است.

متغیرهای مستقل

عدم تقارن اطلاعاتی (IA): در ادبیات مالی برای اندازه گیری سطح عدم تقارن اطلاعاتی در بازار معیارهای متعددی مطرح شده است. از آنجا که سطح عدم تقارن اطلاعاتی به طور مستقیم قابل مشاهده نیست، محققین از برخی متغیرهای شاخص (نماینده) برای سنجش آن استفاده نموده‌اند. یکی از این معیارها، دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام است. الگوی دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش نسبی سهام در سال ۱۹۸۶، در پژوهش وینکاتش و چیانگ، مطرح گردید. پس از آنها، پژوهشگران متعددی مانند آیانکارو همکاران (۱۹۹۷)، یوانگ و استول (۲۰۰۰)، واسانویون (۲۰۱۰) و جایارامان (۲۰۰۸) از این روش برای اندازه گیری عدم تقارن اطلاعاتی بهره گرفته‌اند. در ایران قائمی و وطن پرست (۱۳۸۴)، احمدپور و رسائیان (۱۳۸۵)، رضازاده و آزاد (۱۳۸۷) و رحیمیان و سالکی (۱۳۸۸) از این روش برای اندازه گیری عدم تقارن اطلاعاتی، استفاده کرده‌اند. این الگو به صورت مدل ۳ است (خدای پور و همکاران، ۱۳۸۹).

$$Spread_{i,t} = \frac{1}{D_{i,t}} \sum \left(\frac{Ask - Bid}{\frac{Ask + Bid}{2}} \right) \quad (3)$$

که در این رابطه SPREAD، دامنه پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت i در سال t ، (ASK) بیشترین (کمترین) قیمت پیشنهادی فروش روزانه سهام شرکت i ، (Bid) بهترین (پیشترین) قیمت پیشنهادی خرید روزانه سهام شرکت i و D تعداد روزهایی از سال t که در آن، بهترین قیمت پیشنهادی خرید و بهترین قیمت پیشنهادی فروش، برای شرکت i موجود باشد، است.

دوره تصدی حسابرِس (Tenure): منظور از دوره تصدی حسابرِس تعداد سالهایی است که حسابرِس مستقل، حسابرسی صورت‌های مالی یک صاحبکار را انجام می‌دهد.

متغیرهای کنترل

اندازه شرکت: (Size) از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در پایان دوره بدست می‌آید.
عمر شرکت: (Age) عمر شرکت از طریق لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های سپری شده از تاریخ تأسیس شرکت تا سال جاری بدست می‌آید.

نرخ رشد فروش: (Growth) نرخ رشد فروش از طریق نسبت تفاوت فروش سال جاری و سال قبل بر فروش سال قبل بدست می آید.

نسبت جریان وجوه نقد عملیات (Cash Flow): این متغیر از طریق تقسیم جریان وجوه نقد حاصل از عملیات بر کل دارایی‌ها در ابتدای دوره بدست می آید.

مدل پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی لئونگ و همکاران (۲۰۱۷) بهره گرفته شده است. بر این اساس، برای آزمون فرضیه اول، مدل ۴ تخمین زده شده است.

$$EQ = \beta_0 + \beta_1 \text{Tenure} + \beta_2 \text{Size} + \beta_3 \text{Age} + \beta_4 \text{Growth} + \beta_5 \text{CashFlow} + \varepsilon \quad (۴)$$

که در آن EQ کیفیت سود، Tenure دوره تصدی حسابرس، Size اندازه شرکت، Age عمر شرکت، Growth نرخ رشد فروش و CashFlow نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی است.

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش مدل ۵ تخمین زده شده است.

$$EQ = \beta_0 + \beta_1 \text{Tenure} + \beta_2 \text{IA} + \beta_3 \text{Tenure} * \text{IA} + \beta_4 \text{size} + \beta_5 \text{Age} + \beta_6 \text{Growth} + \beta_7 \text{CashFlow} + \varepsilon \quad (۵)$$

که در آن IA عدم تقارن اطلاعاتی است و سایر متغیرها در مدل ۴ ارائه شده است.

آمار توصیفی

برای آرایه‌ی یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در نگاره (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و اکثر مشاهدات ارائه شده است.

در نگاره (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی، میانگین نرخ رشد فروش ۰/۱۶۴ است که با توجه به انحراف معیار ۰/۳۰۳ بدست آمده می‌توان گفت که نرخ رشد فروش شرکت‌های مورد بررسی از نوسان نسبتاً بالایی برخوردار است. میانگین دوره تصدی حسابرس در شرکت‌های مورد بررسی تقریباً سه سال است و میانگین

نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی ۰/۱۲۶ است که با توجه به انحراف معیار (۰/۱۲۶)، از نوسان پذیری نسبتاً بالایی برخوردار است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
کیفیت سود	۰/۰۹۷	۰/۰۷۶	۰/۰۶۹	۰/۲۸۱	۰/۰۲۰
دوره تصدی حسابرِس	۳/۸۴۶	۳	۲/۴۳۴	۱۱	۱
عدم تقارن اطلاعاتی	۲/۷۰۷	۲/۵۱۴	۰/۳۶۲	۶/۹۱۳	۱/۲۴۹
اندازه شرکت	۱۴/۰۶۹	۱۳/۹۲۲	۱/۳۳۹	۱۹/۰۶۶	۱۰/۲۲۷
عمر شرکت	۳/۶۰۲	۳/۷۱۴	۰/۳۶۹	۴/۱۷۴	۲/۴۸۵
نرخ رشد فروش	۰/۱۶۴	۰/۱۳۶	۰/۳۰۳	۰/۸۳۴	-۰/۳۵۹
نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی	۰/۱۲۶	۰/۱۱۲	۰/۱۲۶	۰/۴۰۷	-۰/۰۷۸

منبع: یافته های پژوهش

انتخاب مدل آزمون

برای برآورد الگوهای مزبور طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۴ در چارچوب داده های ترکیبی، ابتدا از آزمون چاو مقید استفاده شده است. این آزمون تعیین کننده استفاده از مدل Pooled یا مدل اثرات ثابت است. اگر آماره F در سطح خطای ۵ درصد، معنی دار باشد، فرضیه صفر (مدل Pooled) رد و مدل اثرات ثابت پذیرفته می شود. نتایج آزمون چاو در نگاره (۲) ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون اف لیمر برای الگوهای پژوهش

الگوی پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی شماره ۱	۰/۵۲۴۴	۰/۷۹۰۱	روش تصادفی
الگوی شماره ۱	۰/۵۰۶۲	۰/۸۰۴۰	روش تصادفی

منبع: یافته های پژوهش

همان طور که درنگاره (۲) مشاهده می‌شود، آماره‌ی F در سطح خطای ۵ درصد برای الگوهای فوق معنی‌دار نیست. بنابراین، آزمون چاو مشابه بودن عرض از مبدأ در تمام دوره‌ها را به طور قوی رد نمی‌کند و در این آزمون روش اثرات تصادفی (تلفیقی) پذیرفته می‌شود.

تفسیر یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

مدل ۴ برای آزمون فرضیه اول تخمین زده شده است و نتایج آزمون در نگاره (۳) مشاهده می‌شود.

نگاره (۳): نتایج حاصل از برآورد الگوی اول پژوهش

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره‌ی t	احتمال
عرض از مبدأ	۰/۳۸۳۷	۰/۰۸۵۶	۴/۴۸۲۰	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی حسابرس	۰/۰۲۷۳	۰/۰۱۰۸	۲/۵۳۰۷	۰/۰۱۱۷
اندازه شرکت	۰/۰۰۶۳	۰/۰۰۲۵	۲/۴۶۸۹	۰/۰۱۳۸
عمر شرکت	۰/۰۱۳۷	۰/۰۱۴۴	۰/۹۵۳۱	۰/۳۴۱۱
نرخ رشد فروش	-۰/۰۱۶۹	۰/۰۰۵۳	-۳/۱۶۹۱	۰/۰۰۱۸
نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی	۰/۰۳۳۱	۰/۰۰۸۹	۳/۶۹۰۳	۰/۰۰۰۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۷۸/۰۰۱۴			
آماره‌ی دورین - واتسون	۱/۸۶۳۰			
F آماره‌ی	۴۵۷/۸۷۵			
F احتمال آماره‌ی	۰/۰۰۰۰			
احتمال آماره جارکو برا	۰/۰۰۰۰			

منبع: یافته‌های پژوهش

ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای مدل، نشان می‌دهد در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۷۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. علاوه بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دورین - واتسون (۱/۸۶۳۰) می‌توان ادعا کرد خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد. با توجه به نتایج نگاره، احتمال فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر دوره تصدی حسابرس ۰/۰۱۱۷ بوده که کوچکتر از ۵ درصد است. بنابراین فرض صفر در سطح

خطای ۵ درصد رد می‌شود و دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت سود تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. با توجه به نتایج بدست آمده، مقدار احتمال آماره آزمون جارکو-برا، در مدل پژوهش کمتر از ۵٪ می‌باشد. بنابراین در این مدل فرض صفر مبنی بر نرمال بودن جزء خطا رد می‌شود. زمانی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه حد مرکزی می‌توان دریافت که حتی اگر باقیمانده‌ها نرمال نباشند، آماره‌های آزمون به طور مجانبی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند که بدون تورش هستند و از کارآیی برخوردار هستند.

آزمون فرضیه دوم

مدل ۵ برای آزمون فرضیه دوم تخمین زده شده است و نتایج آزمون درنگاره (۴) مشاهده می‌شود.

نگاره (۴): نتایج حاصل از برآورد الگوی دومپژوهش

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
عرض از میدا	۰/۳۴۱۱	۰/۰۸۱۴	۴/۱۸۶۳	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی حسابرِس	۰/۰۲۳۰	۰/۰۰۷۵	۳/۰۵۴۳	۰/۰۰۲۴
عدم تقارن اطلاعاتی	-۰/۰۱۰۴	۰/۰۰۳۷	۲/۸۰۷۳	۰/۰۰۵۲
دوره تصدی حسابرِس * عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۰۱۵۷	۰/۰۰۵۵	۲/۷۱۴۲	۰/۰۰۷۲
اندازه شرکت	۰/۰۰۹۳	۰/۰۰۲۵	۳/۶۹۴۷	۰/۰۰۰۲
عمر شرکت	۰/۰۱۷۰	۰/۰۱۷۴	۰/۹۶۹۸	۰/۳۲۷۷
نرخ رشد فروش	۰/۰۱۹۶	۰/۰۰۷۴	۲/۶۳۰۸	۰/۰۰۸۸
نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی	۰/۰۳۲۸	۰/۰۰۸۷	۳/۷۳۴۷	۰/۰۰۰۲
ضریب تعیین تعدیل شده	۷۲/۰۰۲۵			
آماره‌ی دورین - واتسون	۱/۸۵۶۰			
F آماره‌ی	۳۶۷/۱۴۹۰			
F احتمال آماره‌ی	۰/۰۰۰۰			
احتمال آماره جارکو برا	۰/۰۰۰۰			

منبع: یافته‌های پژوهش

ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای مدل، نشان می‌دهد در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۷۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. علاوه بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دورین - واتسون (۱/۸۵۶۰) می‌توان ادعا کرد خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد. با توجه به نتایج نگاره، ضریب متغیر تعاملی دوره تصدی حسابرِس*عدم تقارن اطلاعاتی، ۰/۰۱۵۷ بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و کیفیت سود است. با توجه به آماره t ، در سطح اطمینان ۹۵٪ ضریب متغیر تعاملی دوره تصدی حسابرِس*عدم تقارن اطلاعاتی معنی‌دار است و فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. به عبارتی، عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و کیفیت سود تأثیر مثبت و معناداری دارد. مقدار احتمال آماره آزمون جارکو-بر، در مدل پژوهش کمتر از ۵٪ است. بنابراین در این مدل فرض صفر مبنی بر نرمال بودن جزء خطا رد می‌شود. زمانی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه حد مرکزی می‌توان دریافت که حتی اگر باقیمانده‌ها نرمال نباشند، آماره‌های آزمون به طور مجانبی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند که بدون تورش هستند و از کارآیی برخوردار هستند.

نتیجه گیری

یکی از شاخص‌هایی که کیفیت سود را بهبود می‌بخشد، تصدی مؤسسه حسابرِس است. در این پژوهش به بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت سود با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار پرداخته شد و دو فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. براساس فرضیه اول انتظار می‌رود که دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت سود تأثیر معناداری داشته باشد. براساس فرضیه دوم انتظار می‌رود که عدم تقارن اطلاعاتی، تأثیر دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت سود را تعدیل کند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط جانسون و همکاران (۲۰۰۲)، لئونگ و همکاران (۲۰۱۷) و کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) مطابقت دارد. به عبارتی، با توجه به اینکه ریسک اطلاعات از میزان دقت در اطلاعات ارائه شده و ناتوانی اطلاعات موجود در برآورد بازده مورد انتظار ناشی می‌شود، تغییرات سود به عنوان شاخص ریسک اطلاعات حسابداری شناخته می‌شود. برای اینکه سود بتواند در ارزیابی عملکرد و توان سودآوری یک شرکت به استفاده کنندگان کمک کند و سرمایه‌گذاران با اتکاء به اطلاعات

سود، بازده موردانتظار خود را برآورد نمایند، ارائه اطلاعات باید به نحوی باشد که ارزیابی عملکرد گذشته را ممکن سازد و در سنجش توان سودآوری و پیش‌بینی فعالیت‌های آتی مؤثر باشد. بنابراین علاوه بر اینکه رقم سود گزارش شده برای سرمایه‌گذاران مهم است و بر تصمیمات آنها تأثیر دارد، کیفیت اقلام تعهدی نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی سود، مورد توجه خاص سرمایه‌گذاران است. پژوهش‌ها نشان داده است که نوسان کم و پایدار سود، حکایت از کیفیت آن دارد. بنابراین، سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتر در سهام شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که روند سود آنها با ثبات تر است (ابراهیمی و ذاکری، ۱۳۸۸). همچنین پژوهش‌های انجام گرفته (گول و همکاران ۲۰۰۹) این بحث را مورد تأکید قرار دادند که امکان شکست گزارش حسابرِس در سال‌های اولیه بیشتر است. بنابراین دوره تصدی بالاتر می‌تواند مدیریت را در انجام مدیریت سود، دچار محدودیت کند و کیفیت سود را افزایش دهد.

محدودیت‌های پژوهش

همواره گام نهادن در راه رسیدن به هدف، با محدودیت‌هایی همراه است که باعث می‌شود رسیدن به هدف مورد نظر با کندی همراه شود. پژوهش حاضر نیز به عنوان فرآیندی در جهت نیل به هدف حل مسئله پژوهش، از این امر مستثنی نیست. در این راستا محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر قابل ذکر است.

- پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است و شرکت‌های سرمایه‌گذاری، لیزینگ و بیمه به علت ماهیت خاص فعالیت آنها از جامعه آماری کنار گذاشته شده‌اند. بنابراین، نتایج به دست آمده قابلیت تعمیم به تمامی شرکت‌ها را ندارد.
- اقلام مندرج در متن صورت‌های مالی به واسطه آثار تورم تعدیل نشده است و از آنجایی که واحدهای تجاری در زمان‌های متفاوت تأسیس شده‌اند و اقلام دارایی‌های خود را در زمان‌های متفاوت تحصیل نموده‌اند، بنابراین کیفیت قابلیت اقلام می‌تواند بر نتایج پژوهش اثر بگذارد و تعمیم نتایج را با محدودیت‌هایی همراه سازد.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر پیشنهاد‌های ارائه می‌شود.

- یافته‌های فرضیه اول نشان می‌دهد که دوره تصدی حسابرس بر کیفیت سود تأثیر مثبتی دارد. براین اساس پیشنهاد می‌شود، دولت و سازمان حسابرسی، هنگام تدوین مقررات و استانداردهای حسابداری، به استانداردهایی جهت افزایش کیفیت گزارشگری و کیفیت سود توجه نماید که افزایش دوره تصدی حسابرسی، نه تنها باعث کاهش کیفیت سود نمی‌شود، بلکه باعث افزایش کیفیت حسابرسی نیز می‌شود و شاید تغییر اجباری حسابرس با توجه به هزینه‌های بالایی که بر شرکت‌ها تحمیل می‌کند لزومی نداشته باشد.
 - یافته‌های فرضیه دوم نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالا است تأثیر مثبت دوره تصدی حسابرس بر کیفیت سود شدیدتر است. بنابراین، به سرمایه‌گذاران، تحلیلگران و سایر مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود هنگام ارزیابی کیفیت سود در شرکت‌هایی که ابهام اطلاعاتی و عدم تقارن اطلاعاتی در آنها، وجود دارد به دوره تصدی حسابرسی توجه ویژه داشته باشند.
 - با توجه به اینکه سود یکی از متغیرهای کلیدی در تصمیمات سرمایه‌گذاران است، این پژوهش با بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی بر کیفیت سود، سرمایه‌گذاران را در اتخاذ تصمیمات اثربخش و کارآمد یاری می‌کند و در نتیجه باعث افزایش سطح کارآیی بازار در بلندمدت می‌گردد. برای نهادهای نظارتی و تدوین‌کنندگان قوانین و استانداردها مسئله سود و ویژگی‌های آن همواره در کانون توجه بوده است؛ یافته‌های این پژوهش می‌تواند رهنمودهای لازم را در زمینه تدوین قوانین و استاندارد ارائه دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند حسابرسان را در زمینه گردآوری شواهد و ارزیابی شواهد مرتبط با سود در شرکت‌ها یاری کند.
- در نهایت برای انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعاتی همچون تأثیر حق الزحمه حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت بر کیفیت سود با تأثیر بر نقش عدم تقارن اطلاعاتی، تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر ضریب واکنش سود با تأکید بر شفافیت اطلاعاتی، تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر استراتژی‌های مدیریت سود (مدیریت سود فرصت طلبانه و کارایی، مدیریت سود واقعی و تعهدی) و تأثیر دوره تصدی حسابرس بر ریسک سقوط قیمت سهام و رقابت بازار محصول پیشنهاد می‌شود.

منابع

- Bahbahani Nia, P. , & Masoumi, J. (2015). The role of audit quality in reducing information asymmetry. *Journal of Financial Accounting*, 4 (3) , 93- 106 (In Persian)
- Biddle, G. C. , & Hilary, G. (2006). Accounting quality and firm-level capital investment. *The accounting review*, 81 (5) , 963-982.
- Carcello, J. V. , & Nagy, A. L. (2004). Client size, auditor specialization and fraudulent financial reporting. *Managerial Auditing Journal*, 19 (5) , 651-668.
- Chan, K. , Chan, L. K. , Jegadeesh, N. , & Lakonishok, J. (2001). *Earnings quality and stock returns* (No. w8308). National bureau of economic research.
- Chen, Y. R. , Cheng, C. S. , & Huang, Y. L. (2012). Value of cash holdings: The impact of cash from operating, investment and financing activities. *Yu-Lin, Value of Cash Holdings: The Impact of Cash from Operating, Investment and Financing Activities* (January 11, 2012).
- Chi, W. , & Huang, H. (2005). Discretionary accruals, audit-firm tenure and audit-partner tenure: Empirical evidence from Taiwan. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 1 (1) , 65-92.
- Clinch, G. , Stokes, D. , & Zhu, T. (2012). Audit quality and information asymmetry between traders. *Accounting & Finance*, 52 (3) , 743-765.
- Copeland, R. M. (1968). Income smoothing. *Journal of Accounting Research*, 101-116.
- Francis, J. , LaFond, R. , Olsson, P. M. , & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. *The accounting review*, 79 (4) , 967-1010.
- Ghaemi, M H. , & Vatanparast, M R. (2005). Investigating the role of accounting information in reducing information asymmetry in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 41 (12) 85-103 (In Persian).
- Gul, F. A. , Fung, S. Y. K. , & Jaggi, B. (2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of accounting and Economics*, 47 (3) , 265-287.
- Heydari, M. , Ghaderi, B. , & Rasuli, P. (2015). Investigating the Effect of Audit Quality on Representation Costs and Information Asymmetry: A Structural Equation Modeling Approach, *Accounting and Auditing Review*, 3, 353-372 (In Persian).
- Jamalianpour, M. , Saghafi, A. , (2012). Unexpected Accruals, Distinct Sustainability of Income and Financial Crisis. *Journal of Accounting Knowledge*, 12 (4) 33-7 (In Persian).
- Johnson, V. E. , Khurana, I. K. , & Reynolds, J. K. (2002). Audit-firm tenure and the quality of financial reports. *Contemporary accounting research*, 19 (4) , 637-660.
- Karami, GH. , & Bazrafshan, A. (2008). Investigating the Relationship Between Auditor's Period and Reporting Conservative Profits in Tehran Stock Exchange Stock Exchange, *Journal of Accounting Knowledge*, 7, 55-80 (In Persian).

- Khadami Pour, A. , Ghadiri, M. (2010). Investigating the relationship between accruals and information asymmetry in Tehran Stock Exchange, *Journal of Accounting Progress*, 2 (2) 1-29 (In Persian).
- Khoshtinat, M. , & Hajiyan, M. (2007). Impact of Dividend Profit Increase on Investors' Behavior. *Accounting and Auditing*, 51, 3-18 (In Persian).
- Leung, S. , Srinidhi, B. , & Xie, L. (2017). Auditor Tenure, Information Asymmetry and Earnings Quality. *Information Asymmetry and Earnings Quality (March 10, 2017)*.
- Li, F. , Abeysekera, I. , & Ma, S. (2014). The effect of financial status on earnings quality of Chinese-listed firms. *Journal of Asia-Pacific Business*, 15 (1) , 4-26.
- Myers, J. N. , Myers, L. A. , & Omer, T. C. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation?. *The accounting review*, 78 (3) , 779-799.
- Penman, S. H. , & Zhang, X. J. (2002). Accounting conservatism, the quality of earnings, and stock returns. *The accounting review*, 77 (2) , 237-264.
- Saqafi, A. , BoLu, Gh. , & Dana, M. (2014). The Relationship between Quality of Profit and information Asymmetry of companies, *Experimental Accounting Research*, 16, 1-16 (In Persian).
- Schipper, K. , & Vincent, L. (2003). Earnings quality. *Accounting horizons*, 17, 97-110.
- Shehata, N. F. (2014). Theories and determinants of voluntary disclosure. *Accounting and Finance Research (AFR)* , 3 (1).
- Vakilifard, H. , & Maranjori, M. (2013). Investigating the Relationship Between Auditor's Period and Accounting Conservatism in Iran, *Experimental Accounting Research*, 13, 225-209 (In Persian).
- Venkatesh, P. C. , & Chiang, R. (1986). Information asymmetry and the dealer's bid-ask spread: A case study of earnings and dividend announcements. *The Journal of Finance*, 41 (5) , 1089-1102.
- Verrecchia, R. E. (2001). Essays on disclosure. *Journal of accounting and economics*, 32 (1-3) , 97-180.

The Effect of the Audit Tenure on Earnings Quality with the Focused on the Information Asymmetry of Firms Listed in the Tehran Stock Exchange

Mehdi Khoramabadi¹, Soheyla Lashgarara², Atefe Taherzade³, Zahra Fazlolahi Dehkordi⁴

Received: 2018/05/29

Accepted: 2018/09/17

Abstract

One of the indicators that improves the earnings quality is the audit tenure, therefore, the purpose of this study is to investigate the effect of the audit tenure on earnings quality, as well as to examine the moderating role of information asymmetry on the relationship between audit tenure and earnings quality in listed companies on Tehran Stock Exchange. In an effort to respond to this issue, 128 firm observation gathered from the annual financial reports of listed companies on Tehran Stock Exchange from 2010 to 2016 have been tested. The research findings showed that the audit' tenure, has a positive and significant effect on the earnings quality. In other words, with the increase of the audit 'tenure, the earnings quality will also increase. The results also showed that information asymmetry has a positive and significant effect on the relationship between audit' tenure and earnings quality. In other words, with increasing of information asymmetry, the positive effect of the auditor's tenure on earnings quality is strengthened.

Keywords: Audit' Tenure, Earnings Quality, Information Asymmetry.

JEL classification: M42, M41, D82

DOI: 10.22051/ijar.2018.20558.1404

¹ Instructor of Accounting, Payame Nour University, Tehran, Iran. Corresponding Author(m.kh.acc@pnu.ac.ir)

² Instructor of Accounting, Payame Nour University, Tehran, Iran(s.lashgarara@pnu.ac.ir)

³ MSc of Accounting, Islamic Azad University, Aligoudarz Branch, Aligoudarz, Iran, (A_taherzadeh171@yahoo.com)

⁴ MSc of Accounting, Lorestan University, Khoram Abad, Iran(z.fazlolahi@gmail.com)